

Original Article

**Civil and Criminal Liabilities of the Justice Department's Officers in Case of Violating the Citizenship Rights**

**Hamzeh Rezaei<sup>1\*</sup>, Mohammad Mehdi Jafari<sup>2</sup>, Jafar Shiri<sup>3</sup>, Fatemeh Rahmani<sup>4</sup>**

1. Graduate of Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Hamadan Branch, Hamadan, Iran. Lecturer, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: h.rezaei98@gmail.com
2. Bachelor of Law Student, Islamic Azad University, Ilam Branch, Ilam, Iran.
3. Graduated from Ilam University of Applied Sciences, Ilam, Iran.
4. Graduated from Ilam University of Applied Sciences, Ilam, Iran.

Received: 19 Jan 2019 Accepted: 27 Dec 2020

**Abstract**

**Background and Aim:** In the justice department's courts, numerous factors are involved in the process of the legal and penal files' trials; the most important of them includes the justice department's officers. The recognition of the duties and obligations of this set of officers who are effective in the formation of the legal and penal files, especially during the early stages and initial investigations and gaining information about the role they play for correct and legal safeguarding of the citizens' rights exert a considerable effect on the judicial authorities' method of judgment. Therefore, these officers play a vital role by the observance or non-observance of citizenship rights. The present article aims at identifying the civil and criminal liabilities of the justice department's officers and police in case of the violation of citizenship rights.

**Materials and Methods:** Since this study has been carried out comparatively and in an interdisciplinary form between the two fields of penal laws and criminology and private laws, it has been prepared and codified using the books and articles related to the aforesaid study fields and through note-taking.

**Findings:** The study findings signify that the justice department's executive officers play a role in the formation of the initial files and they are prone to faults when performing the assigned duties hence they might be subjected to criminal and civil liabilities. Ethical Requirements: in this study, fairness, trustworthiness and commitment to the avoidance of any nonscientific bias have been observed from the beginning to the end.

**Conclusion:** Citizenship rights constitute a relatively new area that is stretched to all the branches of law; their relatedness has been more intensively manifested regarding the duties of the justice department's officers who are held civilly and criminally liable in case of violating them. Therefore, since the ultimate goal of the justice department's officers is the support of citizenship rights, these rights should not act as barriers for their performance of their legal duties and, in case that the relationship between the citizenship rights and the duty of the justice department's officers is instructed very well, they will be consequently saved from civil and criminal liabilities.

**Keywords:** Civil Liability; Criminal Liability; Citizenship Rights; Justice Department's Officers

**Please cite this article as:** Rezaei M, Jafari MM, Shiri J, Rahmani F. Civil and Criminal Liabilities of the Justice Department's Officers in Case of Violating the Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 185-200.

## مسئولیت مدنی و کیفری ضابطین دادگستری در صورت نقض حقوق شهروندی

حمزه رضایی\*<sup>۱</sup>، محمدمهدی جعفری<sup>۲</sup>، جعفر شبیری<sup>۳</sup>، فاطمه رحمانی<sup>۴</sup>

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران. مدرس دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: h.rezaii98@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه علمی کاربردی ایلام، ایلام، ایران.

۴. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه علمی کاربردی ایلام، ایلام، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۷

### چکیده

**زمینه و هدف:** در محاکم دادگستری عوامل متعددی در فرآیند پرونده‌های حقوقی و کیفری دخیل هستند که مهم‌ترین آن‌ها ضابطین دادگستری هستند. شناخت حقوق و تکالیف این دسته از مأمورین که در شکل‌گیری پرونده حقوقی و کیفری به ویژه در مراحل اولیه و تحقیقات مقدماتی مؤثرند و اطلاع از نقشی که در عملکرد صحیح و قانونی آن‌ها در پاسداری از حقوق شهروندان، تأثیر به‌سزایی در نحوه قضاوت مراجع قضایی درباره عملکرد آنان دارد. بنابراین ضابطین در این خصوص نقش حیاتی در قبال رعایت یا عدم رعایت حقوق شهروندی ایفا می‌نمایند. هدف ما در این تحقیق شناسایی بررسی مسئولیت مدنی و کیفری پلیس در صورت نقض حقوق شهروندی می‌باشد.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق در این مقاله با عنایت به این‌که به صورت تطبیقی و میان‌رشته‌ای بین دو رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی و حقوق خصوصی می‌باشد، با بهره‌گیری از کتب و مقالات رشته‌های مذکور و با استفاده از روش و ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از این است که با عنایت به این‌که در شکل‌گیری اولیه پرونده ضابطین دادگستری ایفای نقش می‌نمایند و در راستای وظایف محوله به عنوان ضابط ممکن است که در این بین مرتکب تقصیر شوند و مسئولیت کیفری و مدنی برای پلیس به همراه داشته باشد.

**الزامات اخلاقی:** در این تحقیق از ابتدا تا انتها، اصل رعایت انصاف و امانت، تعهد به اجتناب از هرگونه جانبداری غیر علمی رعایت گردیده است.

**نتیجه‌گیری:** حقوق شهروندی یکی از حوزه‌های نسبتاً جدید است که در تمام شاخه‌های حقوق کاربرد دارد و در رابطه با وظایف ضابطان دادگستری بیشتر نمود پیدا کرده است که در صورت نقض این حقوق، مسئولیت مدنی و کیفری را برای ضابطین به همراه خواهد داشت. بنابراین از آنجایی که هدف غایی ضابطین دادگستری حمایت از حقوق شهروندی می‌باشد، در خصوص انجام وظایف محوله، حقوق شهروندی نمی‌تواند مانعی برای انجام وظایف قانونی ضابطین باشد و چنانچه ارتباط بین حقوق شهروندی و وظیفه ضابطین دادگستری به خوبی آموزش داده شود، مسئولیت کیفری و مدنی را برای آنان به دنبال نخواهد داشت.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی؛ مسئولیت کیفری؛ حقوق شهروندی؛ ضابطین دادگستری

## مقدمه

مفهوم و مصادیق حقوق شهروندی و نهادهای مسؤول این حقوق و تضمینات اجرای آن بخش عمده مباحث را در این زمینه به خود اختصاص داده است. در این میان نقش نیروهای انتظامی و پلیس در تضمین و رعایت حقوق شهروندان بیشتر به چشم می‌خورد، چراکه آن‌ها از یکسو وظیفه برقراری امنیت اجتماعی و مبارزه با هرگونه فساد و ناهنجاری در جامعه را بر عهده دارند و از سوی دیگر نباید هیچ‌گونه اقدامی در جهت تضییع حقوق شهروندان مرتکب شوند. حفظ امنیت فردی و اجتماعی، ضرورت پیشگیری از جرم، کشف جرم و تحقیق پیرامون آن و اجرای احکام حقوقی و کیفری که بخش عمده‌ای از وظایف پلیس را تشکیل می‌دهد، در مواردی مستلزم اقدامات و رفتارهایی از جمله اقدامات قهرآمیز از جانب پلیس است که چه بسا منجر به نقض حقوق شهروندی اشخاص می‌گردد. به عبارت دیگر نیروهای پلیس برای انجام وظایف مختلف، از جمله برقراری امنیت در جامعه ناگزیر از انجام اعمالی هستند که شاید منجر به نقض حقوق شهروندان و عدم انجام این اعمال موجب از بین رفتن امنیت، افزایش بزه‌کاری یا اخفای متهمین از چنگال عدالت شود، به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند در برخی موارد حفظ حقوق برخی از شهروندان مساوی است با نقض حقوق عده‌ای از شهروندان دیگر. بنابراین در این خصوص سعی شده است در این مقاله ابعاد حقوقی و کیفری مسأله بررسی شود.

## تعارف و مفاهیم

در این مقاله در راستای تبیین مسؤولیت مدنی و کیفری ضابطین دادگستری، با اصلاحات فنی و تخصصی در دو حوزه حقوق جزا و جرم‌شناسی و حقوق خصوصی مواجهه هستیم که در ذیل به تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت.

## ۱- مفهوم مسؤولیت مدنی

مسؤولیت مدنی، یعنی مسؤولیت پرداخت خسارت. بنابراین هر جا که شخص در برابر دیگری مسؤول جبران خسارتی باشد، در آنجا مسؤولیت مدنی وجود دارد. علیهذا مسؤولیت مدنی جزء «وقایع حقوقی» است، چون حتی در جایی که شخص

عمداً به دیگری ضرر می‌زند یا از اجرای قراردادی خودداری می‌کند، قصدش مسؤولیت خود نیست، بلکه مسؤولیت را قانون بر او تحمیل می‌کند (۱).

## ۲- مفهوم مسؤولیت کیفری

در واقع مسؤولیت کیفری مسؤولیتی است که مرتکب عمل مجرمانه، علاوه بر علم و اطلاع باید دارای اراده و سوءنیت یا قصد مجرمانه بوده و رابطه علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه حاصل از جرم وجود داشته باشد تا بتوان عمل انجام‌شده را به مرتکب منتسب نمود. از نظر حقوق جزا برای تحقق جرم، وجود سوءنیت یا قصد مجرمانه و یا تقصیر جزایی از ناحیه مرتکب جرم، برای اثبات مسؤولیت کیفری در کلیه جرائم اعم از عمدی و غیر عمدی الزامی است (۲). مفهوم مسؤولیت کیفری گاه به قابلیت شخص برای تحمل کیفر و زمانی به تحمیل تبعات رفتاری شخص بر وی، اطلاق می‌شود

## ۳- مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری

مسؤولیت کیفری همانند مسؤولیت مدنی از آزادی اراده شخص نشأت می‌گیرد. در قدیم این دو مسؤولیت با هم مخلوط بوده است. مجازات کسی که جرمی مرتکب می‌شد در بسیاری از جرائم پرداختن خسارت به قربانی خود بود، چنانکه «دیه» در حقوق اسلام نیز همین مفهوم را داشت. شرط تحقق مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری این است که در هر دو مورد، شخص باید عملی را انجام دهد و یا از انجام عملی خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود، النهایه در مورد مسؤولیت مدنی، ضرر وارده، متوجه یک شخص خاصی است. در حالی که در مسؤولیت کیفری، ضرر متوجه جامعه می‌باشد. روابط مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری که کاملاً با یکدیگر فرق دارند که با اشاره به دو مطلب ذیل کاملاً مشخص می‌شود:

- ۱- مسؤولیت کیفری بدنبال خود مجازات دارد و اگر پرداخت وجهی باشد، خود نوعی مجاز است، ولی در مسؤولیت مدنی جبران زیان مادی است که بر افراد وارد آمده است؛ ۲- در مسؤولیت کیفری اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» اصلی مهمی است، یعنی هیچ جرم و هیچ مجازاتی نیست، مگر به موجب قانون، ولی در مسؤولیت مدنی اصل این است که هر کس به دیگری زانی وارد آورد باید جبران کند (۳).

#### ۴- ضابطین دادگستری

ضابط در لغت به معنای فراهم آورنده، نگاه‌دارنده، نگاه‌دارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طریق سلطان بس باشد. ضابطین دادگستری بازویی اجرایی دادرها و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان هستند. قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را اینطور تعریف کرده است که: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند» (۴).

#### ۵- ضابطین عام

ضابطین عام ضابطینی هستند که در مورد کلیه جرائم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آن‌ها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست (۴).

#### ۶- ضابطین خاص

ضابطین خاص ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آن‌ها محدود به جرائم خاص یا شرائطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند (۵).

#### تعریف شهروند و پیشینه تاریخی آن

از لحاظ مفهوم و واژه‌شناسی، شهروند ترجمه کلمه «Citizen» می‌باشد که ریشه در واژه «City» شهر دارد و آن از واژه لاتینی «Civites» گرفته شده است. سیویتاس در زبان لاتینی تقریباً معادل کلمه «Polis» پلیس در زبان یونانی می‌باشد. کلمه پلیس به معنای شهر است، لکن برای شهروند در فرهنگ لغت انگلیسی از واژه «Wikthony» استفاده شده است که به معنای «شخصی که به صورت قانونی مقیم یک شهر دولت یا کشور شناخته می‌شود» می‌باشد (۶).

مفهوم شهروندی همراه با دموکراسی در دولت - شهرهای یونان پدید آمده و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است. شهروندبودن، یعنی توانایی حکومت‌کردن و

حکومت‌شدن که البته این امر برای افراد آزاد امکان‌پذیر بوده است (۷).

برای آتنی‌ها تنها طریقه شهروندشدن و شهروندبودن، زندگی در دولت - شهر و پیروی از قوانین (Norma) دولت - شهر است. به عبارت دیگر کالبد شهری، کالبد سیاسی است، یعنی به قول فیلسوفان یونانی پلیس (Polis) یا پولیته (Politeia) را ایجاد می‌کند که در حقیقت چیزی نیست جز مجموعه‌ای سازمان‌یافته از شهروندان که تحت لوای قوانین زندگی می‌کنند که خود آن را پایه‌ریزی کرده‌اند (۸).

در حقوق رم، شهروندی به عنوان یک موقعیت اجتماعی تعریف می‌شود که رابطه فرد با جامعه سیاسی را معین می‌سازد. بر اساس آن شهروند بر کسی تلقی می‌شد که آزاد بود تا از جامعه سیاسی پرسش کرده و انتظار حمایت قانونی در برابر سؤال خود را داشته باشد (۹).

این تعریف در کلیت خود شهروندان را واجد یک سلسله امتیازات و در عین حال تکالیف در برابر این جامعه سیاسی می‌کرد، لیکن این امتیاز شهروندی، لایه‌هایی را دربر گرفته و خود وسیله‌ای برای کنارگذاشتن بخش‌هایی از جامعه از شمول تعریف خود بود.

در دوران روم باستان شهروندی به افراد و گروه‌هایی اعطا می‌شد که به روم خدمت می‌کردند. این نخستین تجربه شهروندی مدنی و خصوصی بود و حقوق و تکالیف جنبه قانونی و معنای نزدیک به مشارکت سیاسی امروز داشت، اما به تدریج به ابزاری برای مشروعیت تبدیل شده و از اخلاق حقوق شهروندی، خصوصیات و جنبه‌های آن در بخش اول تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با توجه به تعریفی که از آن ارائه شد، می‌توان گفت حقوق شهروندی دارای مصادیق متعدد در جنبه‌های گوناگون است. حقوق شهروندی یکی از اساسی‌ترین حقوق یک ملت به شمار می‌آید و باید در قانون اساسی یک کشور وارد شده باشد و قانون اساسی که مهم‌ترین قانون در یک کشور است و به عنوان «قانون مادر» از آن یاد می‌شود، باید در اصول خود متذکر و حامی حقوق شهروندی ملت باشد. یکی از اشارات نخستین به زندگی خصوصی را می‌توان در نوشته‌های فلسفی ارسطو، فیلسوف شهیر یونانی یافت که

زندگی خصوصی شهروندان را از زندگی سیاسی و اجتماعی آنان مجزا می‌داند.

### نوآوری‌های قانون کارت ویژه ضابطین دادگستری

قانون فعلی تمام افرادی را که در ماده ۱۵ به عنوان ضابط دادگستری نام برده است، بدون هیچ شرط دیگری، وظایف ضابطین را بر عهده آنان می‌گذارد، لیکن در لایحه جدید در ماده ۳۰ علاوه بر ذکر افرادی که نوعاً ضابط محسوب می‌شوند، برای احراز عنوان ضابط دادگستری فراگیری مهارت‌ها و گذراندن دوره‌های آموزشی لازم را ضروری دانسته است و برای بر عهده‌گرفتن وظایف ضابطین، دارا بودن کارت ویژه ضابطین را شرط کرده است. بدیهی است مقرر فوق در هرچه تخصصی‌تر کردن وظایف ضابطین دادگستری تأثیری فوق‌العاده داشته، علاوه بر این که با آموزش مهارت‌های تخصصی جهت کشف جرم و تعقیب مجرمان، از دخالت افراد فاقد این کارت که بعضاً مقتضی سوءاستفاده‌هایی گرفتن رشوه از اصحاب دعوا می‌شوند، ممانعت به عمل می‌آورد (۱۰).

### مفهوم و اقسام پلیس

در این گفتار علاوه بر معنای تحت‌اللفظی واژه‌ها، آن‌ها دارای مفهوم اصطلاحی می‌باشند که روشن نمودن این مفاهیم اصطلاحی، ضروری است. از این جهت لازم است تا مفهوم پلیس را از لحاظ لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار داده، پس برای روشن شدن سازوکار و به عبارت دیگر مفهوم پلیس را از حیث اداری و قضایی مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

#### ۱- تعریف پلیس

پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی جلوگیری از تخطی و تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص است، ناگفته پیداست که منظور ما از به کار بردن واژه پلیس در این پژوهش مأموران پلیس در مفهوم خاص، یعنی مجری قانون و مأمورانی که برقراری نظم و امنیت را در سطح کشور بر عهده دارند، می‌باشد (۱۱).

۱-۱- تعریف پلیس در لغت: در معنای لغوی، پلیس به معنی نظم و انتظام آمده است. دکتر معینی در این راستا می‌نویسد «پلیس، یعنی شهربانی، نظمیه، پاسبان، محتسب و اداره پلیس، یعنی سرکلانتری و اداره پلیس مخفی به معنای اداره آگاهی و مأمورین آن را کارآگاه می‌گویند.» مرحوم علی‌اکبر دهخدا در لغتنامه بیان می‌دارد: «لفظ فرانسوی که در فارسی به معنای پاسبان اداره شهربانی و گاهی به معنای اداره شهربانی استعمال می‌شود و پلیس مخفی نیز کارآگاه را گویند، یعنی محتسبی که لباس خاص ندارد تا شناخته نشود» (۱۲).

در تعاریف فوق، جامع‌ترین تعریفی که تا حدودی با تعریف پلیس امروز ایران سازگاری بیشتری دارد، این تعریف که در معنی لغوی پلیس گفته شد، تحت‌اللفظی است و عام از پلیس است (۱۳).

۱-۲- تعریف پلیس در اصطلاح: از نظر اصطلاحی تعاریف متعددی از پلیس وجود دارد که ذیلاً آورده می‌شود، حقوقدانان و نظریه‌پردازان علم حقوق، تعاریف و مفاهیم مختلفی برای واژه پلیس در نظر گرفته‌اند. در کتاب حقوق تحقیقات جنایی سه مفهوم را برای پلیس مرقوم، نموده‌اند.

- مجموعه مقرراتی که به وسیله مقامات عمومی وضع و بر افراد تحمیل می‌شود.

- وضع و اجرای مقرراتی که هدفش تأمین آسایش، امنیت و بهداشت عمومی است.

- گروهی از کارکنان دولتی که مقررات مربوط به آرامش و امنیت و بهداشت عمومی که به وسیله مقامات صلاحیتدار پلیس اتخاذ گردیده، به مورد اجرا می‌گذارد، در کتاب علوم جنایی آورده شده است: پلیس عبارت از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت قانون اساسی، جلوگیری از تخطی و تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص است.

با توجه به مراتب می‌توان چنین گفت که پلیس یک سازمان دولتی است و مأموریتی که به وی محول می‌شود و از سوی دولت وضع و به این سازمان ابلاغ و توسط سازمان مزبور بر حسب مقررات مربوطه و بخشنامه‌های داخلی و بر اساس سلسله مراتب اجرا می‌شود.

بی‌نظمی و ناامنی به عمل می‌آید. بنا بر آنچه که گفته شد، وظیفه مهم پلیس اداری جلوگیری از وقوع جرم، بی‌نظمی و اغتشاش می‌باشد و این مهم و به عبارت دیگر دخالت پلیس در امور مزبور قبل از وقوع جرم است، اگرچه یادآوری این نکته لازم است که با توجه به وظیفه و شأن پلیس در برقراری نظم و امنیت و آرامش عمومی، توجه به حقوق و آزادی‌های فردی و نظم اجتماعی، سرلوحه اقدامات و تدبیرهای پلیس می‌باشد (۱۱).

**۱-۲- پلیس قضایی:** با توجه به مراتب و نقش پلیس به معنی اداری آن مشخص می‌شود که پلیس قضایی، یعنی پلیسی که کار و وظیفه‌اش در ارتباط با مقامات قضایی دادگاه می‌باشد و وظیفه قانونی او ایجاب می‌کند که از حیث وظیفه‌ای که به عنوان ضابط دادگستری به عهده دارد، در اختیار مدعیان عمومی دستگاه قضایی باشد، پلیس قضایی که از آن به عنوان ضابطین دادگستری نیز نام برده می‌شود، عبارت از مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستانی عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف جرم و تحقیق مقدماتی جرم حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اقتضای متهم به موجب قوانین و مقررات اقدام می‌کند، در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ علاوه بر تعریف فوق ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی را جزء وظیفه ضابطین دادگستری شمرده است که به عبارتی می‌توان گفت پلیس قضایی بازوان توانمند دستگاه قضایی هستند که بعد از وقوع جرم در حدود وظایف محوله مکلف به پیگیری قضیه از طریق مراجع قانونی ضمن هماهنگی با تشکیلات متبوعه خود می‌باشند (۱۱).

**۲-۲- پلیس عمومی و اختصاصی:** در این قسمت سعی شده است که با تقسیم‌بندی پلیس به عمومی و اختصاصی به تشریح این نهاد پردازیم.

**۱-۲-۲- پلیس عمومی:** واحدهای پلیس عمومی شامل کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی هستند که در انجام مأموریت کشف جرم و به عنوان ضابط دادگستری صلاحیت عام دارند. بدین معنی که به عموم جرائم ارتكابی در سطح حوزه استحفاظی به جز مواردی که در صلاحیت واحدهای پلیس تخصصی باشد، صلاحیت رسیدگی دارند. واحدهای پلیس

مأموریت این سازمان حمایت از قانون اساسی، برقراری نظم، امنیت، آرامش عمومی و حفظ جان و مال شهروندان و به عبارت دیگر اشخاص جامعه و از سوی دیگر جلوگیری از تخطی و برخورد با عوامل بی‌نظمی در جامعه را فراهم می‌نماید.

اعمال حاکمیت دولت برای برقراری نظم، آرامش و امنیت عمومی که از سوی سازمان به نام پلیس است. پلیس از طریق برقراری نظم و امنیت و از سوی دیگر جلوگیری از تخطی و برخورد با آن‌ها و معرفی خطاکاران به مقامات ذی‌صلاح واسطه می‌باشد و به تعبیری «پلیس بین جامعه و سیستم قانونی کشور میانجی‌گری می‌کند که به موجب قانون مربوطه صلاحیت اقدام در مورد کلیه جرائم، به جز آنچه را که قانون منع کرده است، دارد (۱۱).

## ۲- اقسام پلیس

سازمان پلیس با توجه به وظیفه‌ای که به موجب قوانین و مقررات مربوطه به وی محول شده است، واجد اهمیت ویژه‌ای می‌باشد و به اقسام مختلف تقسیم شده است از قبل پلیس اداری و قضایی و پلیس عمومی و خصوصی را که مورد بررسی قرار می‌دهیم: ۱- پلیس اداری و قضایی؛ ۲- پلیس اداری.

همانطوری که در تعریف پلیس گفته شد، «این سازمان یک سازمان دولتی است...» گاهی دولت برای حفظ نظم و فعالیت افراد در جامعه دخالت و کنترلی به عمل می‌آورد و طریقه دخالت و نظارت وی از طریق وضع آیین‌نامه‌ها و مقررات و اجرای آن‌ها می‌باشد. در این صورت کلیه مستخدمین دولتی با توجه به شرح وظایفی که بر اساس مقررات استخدامی - اداری پیش‌بینی شده است، چون مجریان تصمیمات متخذه می‌باشند، به نوعی کار پلیس انجام می‌دهند. با توجه به رویکرد مشارکتی پلیس با مردم دارد، خدمات خود را برای تأمین آسایش و رفاه بیشتر مردم توسعه داده است، صدور گواهی‌نامه، گذرنامه، نظارت بر اماکن عمومی و سایر اقدامات دیگر که در کاهش جرائم و پیشگیری از وقوع آن‌ها مؤثر است، در زمره وظایف پلیس اداری است.

مفهوم دیگر پلیس اداری که محدود می‌باشد، مربوط می‌شود به اقداماتی که به منظور جلوگیری از وقوع جرائم و

قضایی معمولاً کشف این جرائم را به ادارات آگاهی ارجاع می‌نماید و ادارات آگاهی به عنوان مرجع انتظامی تخصصی، اقدامات لازم را برای کشف جرم به عمل می‌آورند (۱۴).

### مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری در حقوق ایران

در اهمیت پژوهش حاضر باید گفت، تبیین ابعاد مختلف مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، افزون بر آنکه موجب دقت بیشتر آن‌ها در اجرای مأموریت‌ها می‌شود، باعث آشنایی زبان‌دیدگان با حقوق خود و همچنین مسئولیت و عدم مسئولیت مدنی ضابطین می‌گردد. این آشنایی علاوه بر تأثیر در اصلاح رفتار زبان‌دیدگان از این حوادث امکان احقاق حق آن‌ها را نیز فراهم می‌نماید. در مورد موضوع فوق تاکنون در منابع داخلی تحقیقی به صورت کاربردی به عمل نیامده است، هرچند در حقوق خارجی، مخصوصاً کشورهای غربی، تحقیقات متعددی انجام شده است.

#### ۱- مسئولیت مدنی ناشی از انجام فعل

مسئولیت در این مورد ناشی از انجام فعلی است که ضابطین مطابق با وظایف خود به اجرای آن مبادرت می‌کنند. این مسئولیت به شرح ذیل قابل تقسیم است:

- اگر فعل مذکور به طور مستقیم موجب حادثه زبان‌بار شود و علاوه بر این توأم با تقصیر باشد، ضابطین به عنوان مباشر مقصر، در مقابل زبان‌دیده اعم از شخص تحت تعقیب یا سایر اشخاص مسؤول هستند.

- اگر در انجام فعل مذکور که مستقیماً موجب حادثه زبان‌بار شده، مقصر نباشند، هرچند اصولاً فاعل بر اساس قاعده اتلاف باید شخصاً مسؤول شناخته شود، اما بر اساس حکم خاص مقرر در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، شخصاً مسؤول نمی‌باشند، بلکه مسئولیت بر عهده دولت خواهد بود.

- اگر فعل ارتكابی از طرف ضابطین با واسطه موجب خسارت شود، وقتی مسؤول هستند که فعل مذکور غیر مجاز یا به تعبیر دیگر توأم با تقصیر باشد.

- در مواردی که ضابطین فعل مجازی انجام داده‌اند که با واسطه موجب خسارت شده است، مانند تعقیب و گریز متهم فراری به دلیل این‌که در چنین مواردی مبنای مسئولیت مدنی

عمومی در صورت برخورد با هر گونه جرائمی که در صلاحیت واحدهای پلیس تخصصی است، اقدامات اولیه را در حفظ آثار و مدارک جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام داده و مراتب را به پلیس‌های تخصصی اعلام می‌نمایند (۱۴).

۲-۲-۲- پلیس اختصاصی: آن دسته از واحدهای انتظامی که صلاحیت رسیدگی به جرائم خاصی را به عنوان ضابط دادگستری بر عهده دارند، به عنوان واحدهای پلیس تخصصی مطرح می‌باشند. فلسفه ایجاد پلیس‌های تخصصی مبارزه مؤثر با انواع خاصی از جرائم است که مستلزم استفاده از کارکنانی با دانش و مهارت مورد نیاز است.

واحدهای پلیس تخصصی در سطح نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- پلیس مبارزه با مواد مخدر: وظیفه اصلی این پلیس، مبارزه با تهیه و توزیع، حمل، نگهداری و استعمال مواد مخدر است.

- اداره مبارزه با قاچاق: وظیفه اصلی این اداره، مبارزه با انواع قاچاق از قبیل کالای ممنوع‌الورود و ممنوع‌الصدور، قاچاق اسلحه و مهمات، قاچاق دخانیات، قاچاق ارز، قاچاق فرآورده‌های شیلانی و آبریان، قاچاق پرندگان شکاری و قاچاق میراث فرهنگی است.

- پلیس امنیت اخلاقی: وظیفه اصلی این پلیس، رسیدگی به جرائم منافی عفت مثل زنا، لواط، جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی، شرب خمر و قماربازی است. رسیدگی به این‌گونه جرائم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است.

- پلیس اطلاعات و امنیت عمومی: وظیفه این مدیریت مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، ترور، شورش، اعمال و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور هستند و به طور کلی مبارزه علیه امنیت کشور و آسایش عمومی با همکاری وزارت اطلاعات می‌باشد.

- پلیس آگاهی: وظیفه اصلی این پلیس، کشف جرائم مهمی از قبیل قتل و انواع سرقت (سرقت وسایل نقلیه، سرقت منازل و اماکن، راهزنی به طور مسلحانه) است، البته قبول شکایت و اقدامات اولیه مربوط به وقوع این‌گونه جرائم در صلاحیت کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی است، ولی مقام

قاعده تسبیب است و شرط لازم در تسبیب تقصیر است به علت عدم تقصیر، عهده‌دار مسؤولیت نمی‌باشند.

اگر علاوه بر فعل پلیس، زیان‌دیده یا شخص دیگری در حادثه زیان‌بار دخالت داشته باشد، تعیین مسؤولیت با توجه به نقش هر کدام بر اساس قواعد مربوط قابل بررسی خواهد بود (۱۵).

## ۲- مسؤولیت مدنی ناشی از فعل توأم با تقصیر

فعل توأم با تقصیر بر دو نوع است: نخست فعلی که به طور مستقیم موجب حادثه زیان‌بار می‌گردد، از قبیل تیراندازی غیر مجاز یا شکنجه متهمی که منجر به صدمه و آسیب نامبرده می‌گردد؛ دوم کوتاهی ضابطین در اجرای احکام ضابطین حکمی، مانند قلع اشتباهی بنا و ساختمان. گاهی فعل توأم با تقصیر، با واسطه، موجب حادثه زیان‌بار می‌گردد. به تعبیر دیگر فعل فاعل، با واسطه امر دیگری موجب زیان می‌گردد، ولی اگر فعل مذکور انجام نمی‌شد، خسارت نیز به بار نمی‌آمد، از قبیل متوقف‌نمودن وسایل نقلیه در محل غیر مجاز و غیر قابل رؤیت توسط مأموران راهنمایی و رانندگی که منجر به تصادف و برخورد وسیله نقلیه در حال حرکت دیگری با آن می‌شود. بعضی از مصادیق فعل توأم با تقصیر به قرار ذیل است:

## ۳- مسؤولیت مدنی ناشی از دستگیری غیر مجاز

در حقوق آمریکا پلیس قادر به تعقیب افراد نیست، مگر به موجب دستور کتبی و یا این‌که احراز ارتکاب جرم به نحو متعارف و معقولی به فردی انتساب داده شده است. به تعبیر دیگر، باید دلیلی معقول در خصوص ظن ارتکاب جرم، موجود باشد. این وضعیت در حقوق کامن‌لا ظن معقول یا بدون شک و تردید ۱ نامیده می‌شود که در این مورد ارتباط فرد با جرم بیش از ظن و گمان و کم‌تر از دلیل قاطع است (۱۶).

در حقوق ایران اختیار ضابطین دادگستری جهت حفظ نظم عمومی، با محدودیت‌هایی همراه است، زیرا به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که بنا بر دلایل، ظن قوی به کشف متهم با اسباب و آلات و دلایل جرم، وجود داشته باشد. از سوی مطابق ماده ۱۸ قانون مذکور، ضابطین

دادگستری در جرائم غیر مشهود به محض اطلاع از وقوع جرم، مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی‌صلاح قضایی اعلام کنند. در خصوص جرائم مشهود باید تمامی اقدام‌های لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول دارند و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند. بنابراین در جرائم مشهود، اگر ظن قوی به کشف متهم با اسباب و آلات جرم در محلی وجود داشته باشد، ضابطین قادر به بازرسی و تفتیش محل یا اشیاء می‌باشند و در جرائم غیر مشهود چنین اقدامی باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد (۱۷).

نظر می‌رسد معیار ظن قوی قرائن و نشانه‌هایی است که هر پلیس متعارفی بر اساس آن به نتیجه می‌رسد. مقصود از ظن قوی، حدس و گمانی بیشتر از حالت عادی و کم‌تر از یقین است. اگر ضابطین دادگستری خلاف مقررات یاد شده، اقدام‌هایی انجام دهند که منجر به خسارت به شخص یا اشخاصی شود، مسؤول جبران آن می‌باشند. به عنوان مثال اگر پلیس در جرمی که از مصادیق جرائم مشهود نمی‌باشد (۱۷)، بدون دستور مقام قضایی اقدام به دستگیری شخصی نماید و در حین دستگیری به علت فرار یا بعد از دستگیری در بازداشتگاه به هر دلیل به او صدمه‌ای وارد شود، اعم از این‌که پلیس نکات ایمنی بازداشت را رعایت کرده با رعایت نکرده باشد، ضامن جبران خسارت وارده به نامبرده می‌باشد، زیرا در این قبیل موارد، زیان‌دیده متأثر از شرایط و اوضاع و احوال حاکم شده است، به گونه‌ای که این شرایط موجب برقراری رابطه سببیت بین تقصیر پلیس و حادثه و قطع رابطه سببیت بین تقصیر احتمالی زیان‌دیده و حادثه زیان‌بار می‌گردد. این مسؤولیت بر اساس قواعد عام، قابل توجیه است، زیرا نقش پلیس در این قبیل حوادث، به عنوان سبب مطرح می‌گردد و اگر شخص بازداشت‌شده موجب ایراد خسارت به خود از قبیل خودکشی شود، نقش او تحت عنوان مباشر خودکشی قابل طرح است و به علت شرایطی که پلیس برای زیان‌دیده ایجاد نموده، به عنوان سبب قوی‌تر از مباشر محسوب شده و جبران خسارت زیان‌دیده را بر عهده خواهد داشت.

**۴- مسئولیت مدنی ناشی از تعقیب و گریز**

یکی از حوادث شایع در اجرای مأموریت‌های پلیسی، حادثه ناشی از تعقیب و گریز است. در این‌گونه حوادث اگر مأمور مجاز به تعقیب باشد و پس از اخطارهای لازم اقدام به چنین امری نماید و به هر دلیل منجر به خسارت به فرد تحت تعقیب شود، مسؤول نخواهد بود. به عنوان مثال وسیله نقلیه شخص تحت تعقیب به علت شتابزدگی، واژگون شود یا آن شخص در حال فرار به علت پریدن از دیواری آسیب ببیند. عدم مسئولیت مأمور در این مورد را می‌توان بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی توجیه نمود، زیرا تعقیب و گریز زمینه‌ساز حادثه زیان‌بار شده است و مأمور نقش مستقیمی در آن نداشته است. بنابراین نقش او به عنوان سبب قابل طرح است، ولی از آنجا که فعل انجام‌شده غیر مجاز نیست و از سویی یکی از شرایط لازم برای سبب تقصیر است، بنابراین نمی‌توان او را به عنوان سبب مسؤول دانست. علاوه بر این، مشمول قاعده اتلاف نمی‌گردد، زیرا در اتلاف، رابطه مستقیم با حادثه زیان‌بار لازم است، زیرا در این مورد فعل مأمور به صورت با واسطه یا غیر مستقیم موجب خسارت شده است (۱۸).

البته اگر مأمور، اقدام به تعقیب شخصی به صورت غیر مجاز نماید و به این علت، موجب حادثه زیان‌بار گردد، مسؤول خواهد بود، زیرا فعل نامبرده در این صورت مشمول قاعده تسبیب می‌گردد. در این‌گونه موارد ملاک مسئولیت مأمور بر این اساس استوار است که آیا نامبرده در تعقیب مجاز بوده یا خیر؟ به تعبیر دیگر مقایسه رفتار پلیس با رفتار یک پلیس متعارف و وظیفه‌شناس در موارد مشابه. با توجه به این‌که ضابطین دادگستری به نحو مطلق مسؤول اجرا و اعمال نظم نیستند، بلکه اجرای نظم توسط آن‌ها باید در چارچوب قانون باشد، از همین روی قانونگذار صرفاً در جرائم مشهود و رد صورت دستور مقام قضایی و فرار متهم یا مجرم در حال انتقال، تعقیب پلیسی را با رعایت موازین.

**۵- مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی**

ضابطین دادگستری برای تیراندازی به سوی اشخاص چند شرط را باید رعایت کنند:

- تیراندازی مجاز باشد و به تعبیر دیگر حق به کارگیری سلاح را داشته باشند و در صورت مجازبودن تیراندازی، باید مراتب مقرر در قانون را رعایت نمایند (۱۰). به موجب ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳، مأموران انتظامی در موارد زیر حق به کارگیری سلاح را دارند: برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید.

- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند، ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح امکان دفاع میسر نباشد.

- در صورتی که مأموران مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.

- برای دستگیری سارق و قطاع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده است و در حال فرار باشد. به موجب این بند، قانونگذار صرفاً در تعدادی از جرائم مشهود اختیار استفاده از سلاح را به مأموران داده است. بنابراین در جرائم مشهود دیگر چون ضرب و جرح، چنین اختیاری ندارند.

- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان فرار نماید و مأمور از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد. به موجب این بند قدر متیقن فرار اشخاصی است که به موجب حکم یا قرار مقام قضایی زندان یا بازداشت شده‌اند. بنابراین بازداشت پلیسی مورد تردید است و با توجه به اصل عدم اختیار پلیس در این مورد باید گفت: پلیس اختیار تیراندازی ندارد.

برای حفظ اماکن و مقر نیروی انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی به موجب این بند اولاً مقصود از مکان انتظامی صرف نظر از مالکیت آن است، مقصود مکانی است که در اختیار نیروهای انتظامی است؛ ثانیاً موارد تعیین‌شده در آن تمثیلی است و شامل سایر اماکن انتظامی به جزء آنچه در این بند ذکر شده نیز می‌باشد (۱۹).

**۶- مسئولیت ناشی از شکنجه**

«ضابطین دادگستری جهت دستیابی به ادله و کشف جرم، صرفاً باید بر دانش پلیسی و کشف علمی جرم تکیه و اقدام

بازرسی شخص بازداشت شده است تا مطمئن شود چنین شخصی فاقد هر نوع ابزاری است که ممکن است به وسیله آن اقدام به خودکشی یا سایر صدمات به خود نماید. در صورتی که ترک وظیفه مذکور موجب صدمات پیش گفته به شخص بازداشت شده گردد، پلیس مسؤلیت جبران خسارات مذکور را بر عهده دارد، هرچند در این گونه موارد، زیان دیده به عنوان شخصی رشید، اقدام به ایراد صدمه به خود کرده و قاعدتاً نباید دیگری را مسؤول آن دانست، ولی از آنجا که زیان دیده از حالت و وضعیت عادی خارج می‌شود، بنابراین محافظت و مراقبت متعارف از نامبرده اقتضا می‌نماید که پلیس امکان این صدمات را با کنترل متهم و محل نگهداری او به حدقل برساند. در حقوق کامن‌لا نیز مقامات قانونی مکلفند اشخاصی را که به طور قانونی زندان یا بازداشت شده‌اند تا پایان دوره محکومیت، سالم نگهداری نمایند (۲۱).

اما در حالت اخیر (در صورت فقدان مجوز قضایی) می‌توان استفاده از حيله و ترفند را نوعی ورود به عنف تلقی نمود که در این صورت مأموران پلیس طبق قانون مجازات اسلامی کیفر خواهند شد که نظریات برخی از دکترین مؤید این امر می‌باشد (۲۲). معین بودن مکان و مورد بازرسی همانطور که قبلاً ذکر گردید، به منظور ورود و تفتیش منازل افراد، باید اجازه مقام قضایی صلاحیتدار وجود داشته باشد، لیکن صرف وجود دستور یا اجازه مقام قضایی کفایت نخواهد کرد، بلکه این اجازه باید موردی و به طور مشخص صادر شده باشد.

#### ۸- اعلان یا ابلاغ حکم بازرسی

بازرسی و ورود به منازل باید با اعلام قبلی و دق‌الباب صورت پذیرد. به عبارت دیگر پس از حضور متصرف قانونی و ابلاغ دستور مقام قضایی به وی، نسبت به ورود و تفتیش اقدام شود، مگر در مواردی که انجام این عمل موجب فرار متهم یا محو آثار جرم شود که باید این مطلب نیز مشخص باشد و از ناحیه مقام قانونی تجسس‌کننده، ضرورت آن تشخیص و موضوع صورت مجلس شود. در بازرسی، از شکستن در و پنجره، تخریب دیوار یا پریدن از آن، رفتن به پشت بام یا نظایر آن خودداری شود (۲۳).

نمایند و از توسل به اقدامات سرکوبگرانه و هرگونه شکنجه و آزار بدنی و روحی متهم خودداری کنند. به دلیل اهمیت موضوع، شکنجه و به کارگیری اجبار و اکراه در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به صراحت منع شده است. قانون مجازات اسلامی، شکنجه و آزار و اذیت بدنی را برای اخذ اقرار به عنوان عملی مجرمانه تلقی کرده و ضمن جرم‌انگاری شکنجه و تعیین مجازات یا مسؤولیت کیفری برای آن، مباشر را حسب مورد محکوم به قصاص و برای او مسؤولیت مدنی و مسؤولیت انتظامی نیز قائل شده است» (۲۰).

#### ۷- ترک وظیفه نگهداری و حراست از وسایل و تجهیزات

مانند موردی که پلیس در مراقبت از سلاح خود کوتاهی کرده و موجب تصرف اسلحه و سپس تیراندازی توسط شخص دیگری شده است. در این قبیل موارد ترک وظیفه منجر به مسؤولیت تضامنی ضابطین دادگستری و شخصی که تیراندازی کرده است، می‌شود، هر چند مسؤولیت تضامنی در حقوق ایران خلاف اصل است و برقراری چنین مسؤولیتی نیاز به نص قانونی دارد و تنها نصی که در این مورد وجود دارد، مسؤولیت غاصبین متعدد است که یکی بعد از دیگری مالی را غصب کرده‌اند، ولی به جز مورد فوق، بر اساس قواعد دیگر مسؤولیت مدنی، امکان برقراری مسؤولیت تضامنی وجود دارد، زیرا مبنای مسؤولیت تضامنی در ایادی متعاقب بر مال مغضوب، شمول قاعده ضمان ید به هر یک از غاصبان به نحو مستقل می‌باشد که نتیجه آن مسؤولیت تضامنی است. این مبنا، در موارد دیگر که شمول قواعد ضمان قهری در یک حادثه زیان‌بار به عوامل متعدد به نحو مستقل مقدور باشد، نیز قابل تعمیم است. یکی از این موارد اجتماع سبب و مباشر به نحو مستقل می‌باشد (۱۹). تفاوت سبب و مباشر به نحو مستقل و اشتراکی در این است که در اجتماع سبب و مباشر اشتراکی، هر یک از سبب و مباشر فعل جداگانه‌ای انجام داده‌اند که از جمع آن حادثه واقع شده مسؤولیت ناشی از عدم کنترل اشخاصی که بازداشت شده‌اند، اگر ترک وظیفه پلیس، منجر به خودکشی یا سایر صدمات به این اشخاص گردد، مسؤولیت آن بر عهده او خواهد بود، زیرا پلیس مکلف به

**ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی در بازرسی‌ها**

چنانچه مقررات و ضوابطی که ذکر گردید، در بازرسی‌ها رعایت نگردد، عواقب و مسؤولیت‌هایی را برای پلیس و ضابطان دادگستری در پی خواهد داشت. اولین عکس‌العمل که سیستم‌های مختلف دادرسی ممکن است در پی بروز این تخلفات از خود نشان دهند، متفاوت است.

در برخی از کشورها مانند کشور فرانسه، هر نوع بازرسی را که خارج از شرایط قانونی خاص و نقض حقوق شهروندی به دست آید، باطل می‌شناسد (بطلان مطلق و قانونی) (۲۴)، اما برخی دیگر از کشورها بطلان یا صحت تحقیقات را در صورت عدم رعایت مقررات قانونی منوط به رسیدگی قضایی می‌دانند (بطلان نسبی یا بطلان قضایی).

**۱- ضمانت اجرای عدم رعایت ضوابط قانونی در بازرسی‌ها**

در خصوص مسؤولیت کیفری پلیس یا مأموران دولتی، در صورت نقض حقوق شهروندی و عدم رعایت تشریفات و ضوابط قانونی، قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۸۰ مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی و غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، مگر این‌که ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته و مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد، مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود، مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.»

با مذاقه در ماده فوق‌الذکر نتایج زیر قابل استنتاج است:

- مستفاد از عبارت «مستخدمین و مقامات قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده» این عبارت شامل پلیس و ضابطین دادگستری نیز می‌شود، به ویژه به نظر می‌رسد واژه «غیر قضایی» اشاره به مأموران پلیس دارد، چراکه بسیاری از بازرسی‌ها و تفتیشات منازل و اماکن توسط آن‌ها صورت می‌پذیرد.

- مقصود از «ترتیب قانونی» در ورود به منزل همان تشریفات است که در ق.ا.د.ا.ع در امور کیفری یا سایر قوانین برای ورود به منازل افراد ذکر گردیده است و مواردی که قبلاً در بحث تشریفات لازم برای بازرسی منازل ذکر کردیم را شامل می‌شود، لیکن همه آن‌ها را دربر نمی‌گیرد و مواردی همچون عدم رعایت زمان بازرسی، عدم کسب مجوز برای بازرسی و... را شامل می‌گردد.

به این ترتیب هرگاه مأموران نیروی انتظامی یا ضابطین دادگستری بدون کسب مجوز لازم از مقامات قضایی و فقدان رضایت مالک یا بدون رعایت زمان بازرسی مبادرت به بازرسی از منازل نموده و مرتکب تخلف شوند، طبق همین ماده قانون مجازات اسلامی، مجازات خواهند شد.

- ورود غیر مجاز و برخلاف قانون مأمورین دولتی به ملک غیر باید ناشی از انجام وظیفه و به مناسبت وظایف شغلی باشد، و الا اگر اقدام مأمورین و مستخدمین دولتی به مناسبت وظیفه نبوده و به واسطه اهداف شخصی صورت گیرد، تفاوتی با افراد عادی ندارد و مصداق ماده ۶۹۴ ق.م.ا خواهد بود و به عبارتی دیگر در این صورت مرتکب باید با سوءاستفاده از قدرت و موقعیت شغلی خود وارد منازل غیر شده باشد (۲۵).

- مقصود از «اجازه» در اینجا اذن می‌باشد که قبل از انجام عمل باید اخذ شود و منظور از رضا، اذن تلویحی و ضمنی صاحب خانه است (۲۶).

- هرگاه مأموران دولتی (پلیس یا ضابطین دادگستری اجازه ورود یا بازرسی به منزل شخصی را داشته باشند، این امر باید در روز انجام پذیرد، مگر این‌که بنا به ضرورت و با اجازه قاضی امکان بازرسی شبانه وجود داشته باشد. حال اگر مأمور پلیسی که اجازه ورود و بازرسی روزانه دارد، شب هنگام و بدون کسب مجوز لازم وارد منزل شخصی شود، طبق قسمت اخیر ماده ۵۸۰ ق.م.ا مجازات خواهد شد و در واقع مجازات وی تشدید می‌شود.

و به منظور مسؤولیت کیفری پلیس و محکومیت وی به مجازات، احراز عدم اذن و رضایت صاحب منزل شرط می‌باشد (گلدوزیان). بنابراین اگر مأمور پلیسی بدون کسب اجازه و شب هنگام، ولی با اذن و رضایت صاحب منزل داخل منزل

شخصی شود و به بازرسی بپردازد، هیچ‌گونه مسؤلیت کیفری متوجه وی نخواهد بود، هرچند که ممکن است پلیس در این صورت مرتکب تخلف انضباطی شده باشد.

- چنانچه کسی با عملیات متقلبانه ساکن قانونی را فریب دهد و وارد منزل شود، عمل او مشمول این ماده خواهد بود.

اما موضوع دیگری که می‌تواند موجب نقض حقوق شهروندی و متعاقباً مسؤلیت کیفری پلیس را مطرح سازد، افشای اسراری است که پلیس یا ضابطین دادگستری به هنگام بازرسی منازل و یا به طور کلی به مناسبت شغل و وظیفه به دست می‌آورند. بنابراین این موضوع را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۴۸ بیان می‌دارد: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.» نکات استخراجی از این ماده بدین شرح است: ۱- افراد مندرج در این ماده (پلیس یا ضابطین دادگستری) باید به مناسبت شغل خود، محرم اسرار واقع شده باشند و چنانچه به طریقی غیر از شغل از اسرار مطلع شوند و آن‌ها را افشا نمایند، مشمول این ماده نخواهند بود؛ ۲- در صورتی که مرتکب مأمور دولت و مطالب افشاشده مربوط به مراسله یا مخابره باشد، ماده ۵۸۲ قابل اجراست (۲۶)؛ ۳- با توجه به عبارت «در غیر از موارد قانونی» مستفاد است، مأموران دولتی در مواردی که قانون اجازه داده است، می‌توانند اسرار مردم را که از آن مطلع هستند در اختیار دیگران بگذارند.

۱-۱- **حریم خودرو و نحوه بازرسی آن:** عملاً چه در زمان تحقیق جرم مشهود و چه در تحقیق مقدماتی و ابتدایی و چه در موقع هر نوع اقدامات تجسسی دیگر، به بازرسی وسایل شخصی از قبیل ساک، کیف دستی و اتومبیل اشخاص نیاز پیدا می‌شود، به نحوه و تشریفات بازرسی خودرو در قوانین کشورمان اشاره‌ای نگردیده است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که خودرو در حکم اماکن خصوصی می‌باشد و مقررات راجع به اماکن خصوصی در مورد اتومبیل نیز باید رعایت گردد، ولیکن

با عنایت به این‌که خودرو دارای قابلیت تحرک و مشمول مقررات خاص راهنمایی و رانندگی بوده و مالک آن نمی‌تواند به دلخواه خود تغییراتی از حیث رنگ، سیستم، محور و... در آن بدهد، بیان این مطلب که خودرو در حکم اماکن خصوصی می‌باشد، منطقی به نظر نمی‌رسد (۲۷).

۲-۱- **تفتیش و بازرسی بدنی افراد:** بازرسی بدنی عبارت است از جستجوی بدن با لباس شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم به منظور کشف آلات و ادوات مربوط به جرم می‌باشد (۲۷).

در تعریف دیگری از بازرسی بدنی آمده است: «بازرسی بدنی عبارت است از کاوش بدن با لباس شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم، به قصد یافتن ادله مخفی مربوط به جرم یا اسلحه یا کشف هویت» (۲۴).

هدف و فایده بازرسی بدنی عبارت است از ضبط و توقیف دلایل اثبات جرم، حفاظت از جان مجنون، متهم، مأموران انتظامی و مردم از هر قسم خطر بالقوه.

در کشور ما وضعیت حقوقی بازرسی بدنی افراد از لحاظ تئوری، قانون و رویه قضایی بسیار تاریک، اما عملاً بسیار روشن است. قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه قضایی نسبت به این امر مهم سکوت اختیار کرده‌اند که این نشان از بی‌توجهی مقنن به این امر مهم می‌باشد.

احدی از حقوقدانان در این خصوص بیان می‌دارد «بازرسی بدنی معادل دستگیری است و اتخاذ تصمیم درباره آن با قاضی است و پلیس نمی‌تواند همیشه مبادرت به بازرسی بدنی اشخاص نماید، مگر در موارد جرائم مشهود یا جنایت قبلی شخص بازرسی شونده یا موارد بسیار خاص و محدود مندرج در قانون» (۲۴).

با توجه به فقدان قانون خاص در این زمینه به نظر می‌رسد، بازرسی بدنی افراد در کشور ما توسط پلیس امری کاملاً سلیقه‌ای بوده و هر یک از شهروندان در هر زمان و مکان از شهر ممکن است توسط افراد پلیس تحت بازرسی بدنی قرار گیرند، بی‌آنکه مسؤلیت کیفری متوجه آنان باشد، البته لازم به ذکر است هرگاه بازرسی بدنی افراد بدون هیچ‌گونه سوءظن و اتهامی صورت گیرد. برای مثال اگر شخصی در خیابان در

را به طور جداگانه احصا کرده بود، مصوبه‌ای بود که در سال ۱۳۸۱ در اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی در مورد شکنجه از تصویب مجلس ششم گذشت و با ایرادات شورای نگهبان مواجه شد که این مصوبه به دلایل نامعلوم تا زمان فعلی مسکوت مانده است (۶).

### ۱- ضمانت اجرای هتک حرمت

با عنایت به مبانی که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت، در قوانین موضوعه و قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ حرمت افراد بیش از پیش مورد احترام است. فرضاً در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، ضمانت اجرای کیفری شلاق تا ۷۴ ضربه شلاق پیش‌بینی شده است.

#### ۱-۱- هتک حرمت و حیثیت افراد: در مواد قانونی

اخیر، قانونگذار بدون آنکه معنا و یا تعریفی ارائه نماید، از اصطلاحات و واژه‌های توهین، اهانت، فحاشی، الفاظ رکیک و دشنام استفاده کرده است که در واقع فحاشی، الفاظ رکیک و دشنام مصادیق توهین و اهانت هستند (۲۹).

در فرهنگ معین آمده است: «توهین مصدر لازم به معنای خوار کردن، خوارداشتن، سبک‌داشتن، خفیف‌کردن، سست‌کردن است و به عنوان اسم مصدر به معنای خواری و خفت آمده و جمع آن توهینات است» (۱۲).

توهین یا اهانت در هیچ یک از قوانین تعریف نشده است. در میان آثار حقوقی مرحوم استاد پاد بر این عقیده‌اند: «واژه وهن به فتح اول برای سستی وضع شده است و توهین ست گردانیدن را گویند» (۲۵).

با اندک اغمازی می‌توان گفت جرم توهین عبارتست از: «رفتار عمدی خلاف قانون که به موجب عرف نسبت به طرف موهن باشد» (۲۹).

ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی در این زمینه آورده است: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.»

لازم به ذکر است که با تصویب قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (طرح دو فوریتی کاهش مجازات مجازات توهین از شلاق به جزای نقدی درجه شش تقلیل یافت.

حال حرکت است، با اخطار پلیس متوقف و مورد بازرسی قرار گیرد، در این صورت شاید بتوان پلیس را طبق ماده ۵۷۰ ق.م.ا مورد مؤاخذه قرار داد.

### شکنجه افراد در پرتوی قانون اساسی

شکنجه در زمان‌های دورتر نه تنها کار ممنوعی محسوب نمی‌شد، بلکه مهم‌ترین وسیله برای کسب اقرار یا سایر اطلاعات مفید از متهمان و مجرمان محسوب می‌گشت. به تدریج منع شکنجه ابتدا در تمدن شرق و ادیان الهی و سپس در قوانین کشورهای اروپایی مورد تأکید قرار گرفت و سپس از آن به اسناد و مدارک بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های لاهه و ژنو در مورد مخاصمات مسلحانه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر راه یافت (۲۸).

نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم، کلاً اقدام‌های خلاف متعارف خودداری ورزند و به جای آن از شیوه‌های علمی و فنی و تحقیق و بازرجویی و تکنیک‌های مدرن استفاده شود. همچنین در بند ۹ نیز اشاره شده است: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت»، هرچند قانون مذکور ضمانت اجرای کیفری ندارد، لیکن امر مطلوبی که قانونگذار به آن توجه نموده، ارزش و اعتبار ادله اخذشده به وسیله شکنجه است. مقنن این‌گونه دلایل تحصیلی را بی‌اعتبار قلمداد می‌کند، کما آنکه در نظام حقوقی بسیاری از کشورهای دیگر نیز دلایل تحصیلی از این طریق هیچ‌گونه اعتبار و حجیتی ندارند.

اصل ۱۶ اعلامیه اساسی عدالت جزایی برای بزه‌دیدگان جرائم سوءاستفاده از قدرت بیان داشته است: «کارکنان پلیس باید تحت آموزش قرار گیرند تا نسبت به نیازهای بزه‌دیدگان حساس شده و قادر به کمک فوری و مناسب به آن‌ها باشند.» ماده ۲ نظام‌نامه رفتار ضابطان دادگستری مقرر داشته که ضابطان دادگستری باید به حیثیت ذاتی انسان‌ها احترام گذارده و از حقوق انسانی تمام اشخاص حفظ و پاسداری نماید. مصوبه‌ای که به طور جامع و همه‌جانبه موضوع مربوط به شکنجه را مورد بحث و بررسی قرار داده بود و مصادیق آن

نداشته‌اند، شود، عهده‌دار جبران خسارت خواهد بود، اما در خصوص امور کیفری با توجه به سیری که در تاریخچه، فلسفه و علل پیدایش ضابطین دادگستری و همچنین نقش ضابطین دادگستری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری گذشت، چنین نتیجه می‌گیریم که ضابطین دادگستری را فقط قانون معین می‌کند. همچنین بایستی افراد دارای مهارت و آموزش دیده به عنوان ضابطین دادگستری انتخاب شوند. علت توجه قانونگذار به این موضوع، حساسیتی است که در تشکیل پرونده کیفری وجود دارد. در جامعه‌ای که قانون برای شخص مجرم در هر رتبه و مقامی، حسب شدت و ضعف جرم، مجازات مناسب مقرر می‌دارد، علاوه بر تنبیه مجرم، باعث ارباب دیگران نیز خواهد شد. ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که بر عهده دارند، با دادستان است. کلیه ضابطین دادگستری مکلفند دستور مقامات قضایی را اجرا نمایند. متخلفین از طرف دادگاه تعقیب و به انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه از خدمت دولت محکوم خواهند شد و حکم دادگاه قطعی است. ضابطین دادگستری جهت اجرای مهم‌ترین وظیفه خود که همانا حفظ نظم و امنیت است، در صورتی که موجب خساراتی به دیگران اعم از متهم، مجرم، یا اشخاص دیگر شوند، با تحقق شرایطی عهده‌دار مسؤولیت مدنی خواهند بود. به دلیل تعدد و تنوع مأموریت‌های پلیسی و مسؤولیت مدنی نسبت به سایر مشاغل از تنوع بیشتری برخوردار است. در مجموع حوادث زیان‌باری که ضابطین دادگستری در آن مداخله دارند یا از طریق انجام فعل توأم با تقصیر یا انجام فعل بدون تقصیر و یا ترک فعل تحقق می‌یابد. گاهی حادثه زیان‌بار ناشی از فعل توأم با تقصیر آن‌ها از قبیل تیراندازی، شکنجه، اجرای احکام مدنی بدون دقت، تعقیب و گریز غیر مجاز، بازداشت غیر مجاز اشخاص و متوقف نمودن وسایل نقلیه در محل غیر مجاز توسط پلیس راهنمایی و رانندگی واقع می‌شود که در این قبیل موارد در تحمل مسؤولیت کیفری و مسؤولیت مدنی آن‌ها تردیدی نیست. در صورتی که حادثه زیان‌بار ناشی از فعل بدون تقصیر آن‌ها باشد که بلاواسطه منجر به حادثه زیان‌بار گردد. مسؤولیت جبران خسارت زیان‌دیده بر عهده سازمان مربوط خواهد بود. چنانچه

در واقع پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، مرتکبین توهین صرفاً به جرای نقدی درجه شش محکوم خواهند شد که عبارت است از جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال. علاوه بر این موضوع این جرم مطابق ماده ۱۱ قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (طرح دوفوریتی کاهش مجازات) از جرائم قابل گذشت محسوب می‌گردد و با رضایت شاکی در هر مرحله، پیگیری این جرم متوقف خواهد شد.

## ۲-۱- رعایت حقوق شهروندی در بکارگیری سلاح

**توسط پلیس:** قدرت مادی نیروهای انتظامی نیز ابزارهای متفاوتی دارد که یکی از آن‌ها شدت عمل قانون در برخورد با متخلفان و تبه‌کاران است. بارزترین مصداق این شدت عمل، به کارگیری سلاح برای حفظ نظم و امنیت در جامعه است. جامع‌ترین قانونی که در زمینه به کارگیری سلاح توسط نیروهای پلیسی وجود دارد، قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری است، البته قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۳۳۲ به این موضوع پرداخته و حکمی را بیان داشته است. با مطالعه قانون به کارگیری سلاح مشاهده می‌شود که قانونگذار مجوز به کارگیری سلاح را برای مأمورین مذکور نه‌تنها در راستای حفظ نظم و امنیت در جامعه داده است، بلکه در حوزه‌های دفاع از خود (دفاع مشروع)، دفاع از مرزها، در جهت دستگیری زندانیان متواری داده است.

## نتیجه‌گیری

در خصوص مسؤولیت مدنی و کیفری پلیس با عنایت به منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ به نظر می‌رسد که در این خصوص ضابطان دادگستری باید حرفه‌ای‌تر عمل نموده تا در انجام وظایف محوله خود مسؤولیت کیفری و مدنی بر آنان تحمیل نگردد. در خصوص مسؤولیت مدنی، ضابطان به عنوان قاعده‌ای کلی می‌توان گفت: در هر مورد که پلیس اقدام غیر مجاز یا توأم با خطایی انجام دهد و اقدام مذکور موجب خسارت به اشخاصی که خود در ایجاد حادثه دخالت مؤثری

آن‌ها با وصف فوق به صورت غیر مستقیم در حادثه زیان‌بار دخالت داشته باشد، به دلیل این‌که مبنای مسئولیت در این مورد قاعده تسبیب است و شرط لازم برای تحقق مسئولیت بر اساس این قاعده تقصیر است. بنابراین فاقد مسئولیت خواهند بود.

## References

1. Bahrami Ahmadi H. Civil Liability. 2nd ed. Tehran: Mizan Publishing; 2011. p.30. [Persian]
2. Shambiyati H. Public Criminal Law. Tehran: Majd Publications; 2018. Vol.2 p.29. [Persian]
3. Katozian N. Requirements outside the contract. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2020. Vol.1 p.52. [Persian]
4. Sadati Barikani AR, Soltani S. Collection of Laws and Regulations of Judicial Officers. Tehran: Khorsandi Publishing; 2007. p.79. [Persian]
5. Saket MH. Institution of Justice in Islam. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 2016. Chap.3 p.12. [Persian]
6. Rajabi E. Police and Citizenship Rights. 1st ed. Tehran: School Resources Production and Distribution Center; 2009. p.30. [Persian]
7. Fallahzadeh AM. The Ratio of Citizenship and Human Rights. *Journal of Judicial Law* 2007; 71(58): 47-64. [Persian]
8. Jahanbegloo R. Modernity, Democracy and Intellectuals. 1st ed. Tehran: Markazi Publishing; 1995. p.42. [Persian]
9. Ayelet S. Citizenship and multicultural vulnerability. *Political Theory* 2000; 28(1): 64-89.
10. Janloo M. Iranian Law Enforcement. Tehran: Ganj-e Danesh; 2014. p.55. [Persian]
11. Kolivand AN. The role of judicial police in the administration of justice. 1st ed. Tehran: Fekrsazan Publishing; 2007. p.27. [Persian]
12. Dehkhoda AA. Dictionary. 1st ed. Tehran: University of Tehran Press, 1945. Vol.13 p.445. [Persian]
13. Moin M. Farhang-e Farsi. 3rd ed. Tehran: Amirkabir Publications; 1977. p.347. [Persian]
14. Malekzadeh S. Civil Liability Based on Police Fault. M.Sc. Thesis. Tehran: Private Law, University of Tehran; 2010. p.10. [Persian]
15. Zamani M. Judicial Police in the Light of Law. 12th ed. Tehran: Samat; 2015. p.47. [Persian]
16. Patrice J. Principles of Civil Liability. Translated by Adib M. Tehran: Mizan; 2003. p.66. [Persian]
17. Assyrian M. Criminal Procedure. Tehran: Samat; 2017. Vol.1 p.137. [Persian]
18. Champion Jr WT. Civil Liability in Sports. Translated by Aghaeinia H. Tehran: Justice; 2004. p.77. [Persian]
19. Jafari Langroudi MJ. Mahshi Collection of Civil Law. Tehran: Ganj-e Danesh; 2003. p.114.
20. Abbasloo B. Police Civil Liability. *Quarterly Journal of Disciplinary Knowledge* 2010; 11(2): 87-130. [Persian]
21. Mahdian Moghadam M. Civil Liability of Formal Justice Experts. Master Thesis. Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman, Faculty of Law and Political Science; 2014. p.38. [Persian]
22. Golduzian I. Private Criminal Law. 22th ed. Tehran: University of Tehran Press; 2019. p.223.
23. Akhoondi M. Criminal Procedure Code. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications; 2011. p.103. [Persian]
24. Ansari V. Criminal Investigation Law. Tehran: Samat Publications; 2001. p.303. [Persian]
25. Pad E. Exclusive criminal law, crimes against persons. Tehran: Roham Publications; 2003. p.267. [Persian]
26. Keshavarz BA. Mahshahi Tazirat Collection. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1997. p.44. [Persian]
27. Razavi M. The Role of NAJA as General Officers of Justice in Criminal Matters. Tehran: University of Law Enforcement Sciences; 2006. p.179. [Persian]
28. Mir Mohammad Sadeghi H. International Criminal Court. Tehran: Dadgostar Publishing; 2016. p.116. [Persian]
29. AghaeiNia H. Exclusive Criminal Law, Crimes against Persons (Spiritual Personality). Tehran: Mizan Publications; 2008. p.18. [Persian]